روزنامه
افشین
۲شنبه ۸بهمن ۱۳۳۰ تکشماره ۱۰ریال شماره ۳۵۵
فعلا هفته‌ای دو شماره روزهای سه‌شنبه وپنجشنبه

اهالی شهرستان‌ها باید از روش ساکنین
تهران پیروی کرده و با رعایت نظم و آرامش نمایندگان حقیقی خودرا انتخاب نمایند

نظم وانضباط کاملی که درهنگام اخذ آراء ازساکنین تهران مشاهده شد؛ باردیگر رشدفکری وغریزه ذاتی افراد میهن پرست کشوررا تسجیل نموده و به عناصر بداندیش ومغرض ثابت شد که ملت ایران برای حفظ استقلال ومصالح عالیه کشور متفق‌العقیده بوده ودرموقع لزوم دریک جبهه واحدعملیات دلیرانه خودرا تعقیب خواهد نمود .

آری روزهای هفته گذشته درتاریخ سیاسی ایران ساعات حساس و کم‌نظیری بود ،

زیرا موثرترین ومهمترین قسمتهای انتخابات دورهفدهم یعنی انتخابات تهران که ازستون فقرات و بنیهٔ اصلی مجلس آینده محسوب می‌شود پایان پذیرفت با خاتمه اخذآراء در تهران وحومه که در نهایت آرامش و ترتیب انجام گرفت بیش ازپیش مشت مغرضین وخودخواهان وورشکسته‌های سیاسی راکه سعی داشتند باانتشار دروغهای تحریک آمیز مردم را مایوس وناامیدسازند بازشد وهمه مردم تهران باچشم خود مشاهده کردند که اخذ آراء درمحیط آرام ومنظمی بدون جاروجنجال ومنازعه عملی گردید کدام دلیل برای اثبات واهی بودن شایعات وانتشارات صاحبان غرض وخدمت گذاران سیاستهای خارجی از مشهودات مردم قوی‌تر و کدام جواب برای انتقادکننده گان مغرض وخود خواه ازآنچه باچشم خویش دیده‌اند دندان شکن‌تر ممکن است پیدا کرد ،

عموم ساکنین تهران وناظرین داخلی وخارجی باچشم خود دیدند که انتخابات این‌دوره درنهایت نظم وصحیح و بدون اینکه رجاله بازیها وجنجالهای مصنوعی دوره‌های پیش تکرار شود جریان یافت وعلیرغم پیش‌بینی وادعای موهوم مفسدین جاه‌طلب هیچ‌گونه دخالت وممانعتی در رای دادن اشخاص معمول نگردید .

حال چنانچه بعضی از عمال بیگانه وزمره نوکران که سرسپرده‌های سفارت خانه استعماری میباشند ودر هنگام اخذ آراء ازآنانیکه معصوم ومعصوم رای‌دهندگان شکست مسلم‌خود پی برده‌اند .

چگونه وضع انتخابات راتشریح و تعریف نمایند ازبحث فعلی ما خارج بوده ودرآینده نیز این موضوع راروشن خواهد ساخت ولی قدر مسلم اینست که ازمبارزه انتخاباتی هفته گذشته موفقیت و پیروزی فقط نصیب ۱۲ نفر میگردد وصدها نفر دیگری که بی‌جهت و بدون داشتن زمینه مساعد وصرفاً بمنظور داشتن هوس‌های کودکانه خود را داوطلب نمایندگی تهران معرفی کرده بودند شکست‌خورده وازجریان انتخابات ناراضی خواهندبود مرآینه کسی انتظار داشته باشد که هیچکس ازجریان انتخابات ناراضی نشود وزبان باعتراض و انتقاد و احیاناً یاوه‌سرائی وتهمت نگشاید امری غیر ممکن ومحال میباشد ،

زیرا هرقدر آزادی انتخابات تامین شود ، دامنه مبارزه انتخاباتی وسیع‌تر گشته [illegible] تعداد شکست‌خورده ناراضی [illegible] و متاسفانه در جامعه ما [illegible] اساسی ورعایت عدل و [illegible] که جنانچه شخصی [illegible] خورد بضعیف [illegible] ازاء کینه توزی وکارشکنی وناسزاگوئی روی رقیب فاتح را بپوسد واورا برای انجام وظایف ملی ترغیب وتشویق نماید .

در محیط زندگی ماهر کس بدون تعمق ومطالعه بدوی خودرا کاندیدا انتخابات معرفی می کند وهر نامزد بی‌زمینه و کم شهرتی پس ازحصول شکست با قوای مجبور بدنبال دولت میا [illegible] ان رامورد فحش ودشنام [illegible] نیست باین منتظرالوکاله‌ها بکوید آقایان تقصیر دولت چیست ،

اگر مردم نخواستند بعناصری که در جامعه بدنام ومغرض وخدمت گذار سیاست‌های خارجی معرفی شده‌اند رای بدهند وآنهارا بسر نوشت خود ومملکت حاکم سازند چه گناهی متوجه دولت میباشد !!!

برای این که ثابت شود چه کسانی مورد اعتماد واطمینان مردم هستند وچه اشخاصی مطرود ومنفور جامعه میباشند کدام آزمایش از انتخاباتیکه نتیجه‌اش همین روزها روشن وعلنی خواهد شد بهتر ونزدیکتر امکان پذیر است وقتی آراء مردم رشید وفهمیده باشهامت تهران را خوانده‌اند ومعلوم شد ساکنین پایتخت چه اشخاصی را ببهارستان فرستاده‌اند .

یکبار دیگر فرقه نوکران موروثی وجیره‌خواران سیاست استعمار طلب بقدرت واقعی مردم وقوف یافته مسلماً ازرسوائی و بی‌آبروئی خود دراجتماع خجل وشرمسار گشته و از عملیات پلید خویش نادم و پشیمان خواهند شد .

ولی ناگفته نماند که در بعضی از شهرستانها بویژه استان گیلان یکعده‌از وکلای تحمیلی ادوار گذشته که پیوسته در اثر صندوق سازی واستفاده ازافکار کشاورزان ساده‌لوح خود را بمردم آن سامان تحمیل می‌نمودند در این دوره‌هم دست ازمقاصد شوم خویش برنداشته و بتصور اینکه کرسی مجلس دارالشورای درزمره املاک موروثی اجدادشان میباشد بهزاران حیل وتزویر متوسل شده ومی خواهند مجدداً خود را باهالی ستمدیده گیلان تحمیل نمایند .

مثلا درحوزه طالش ملیون رنجدیده بپیروی ازمنویات دولت وبمنظورهائی ازمحرومیت سالهای گذشته باوجودموانع ومشکلات عدیده نماینده‌ملی دوره‌هفدهم خودرا انتخاب نموده لیکن وکیل‌تحمیلی سابق بوسیله ایادی مرموز خود مترصد است که بنحوی ازانحاء عملیات دلیرانه اهالی ستمدیده حوزه طالش رامخدوش نماید ولی غافل ازاین که اعمال مذبوحانه وکیل تحمیلی سابق کوچکترین اثری دروجهه مردم نداشته وساکنین آن منطقه باعزم راسخ ومتین تصمیم خویشتن راتا حصول موفقیت نهائی تعقیب خواهند کرد بعلاوه اهالی شهرستانها باید از روش ساکنین تهران تاسی نموده و در کمال نظم وآرامش نماینده واقعی خودرا انتخاب وبمجلس بفرستند تاجاسوسان و خائنین مجالی جهت تخریب نداشته و برای همیشه هوس وکالت را بگور برند .

بقلم دوشیزه ف - بوذرجمهری

شخصیت زن

امروزه اگر زنی خدای نخواسته زیبا بدنیا نیامده باشد ، چندان اهمیت ندارد ، چه زیبائی رامانند دیگر کالاها دربنگاههای زیبائی وزیر دست آرایش گران چیره دست میتوان خرید، ولی شخصیت خریدنی نیست وبایستی هربانوئی بتواند هنر و ارزش خودرا در جامعه محفوظ بدارد .

یعنی چون کسی باوی سخن میگوید احساس کند که با وجودی زنده وباروح وفهمیده طرف است نه باموجودی خشک وبیروح ، ولی زیبا .

شما ای دوشیزگان پاک‌سرشت اگر دریک خیابان یایک مهمانی برای اولین مرتبه بایک مرد برخوردارگردید ، ممکن است حرکات بازیبائی شما آن مردرا فریفته شمانماید ولی اطمینان داشته باشید اگر مرد زندگی باشد .

فوراً متوجه بخصوصیات وشخصیت وطرز تربیت خانوادگی شما خواهدشد چون تنها زیبائی شمابرای اوکافی‌نیست میل دارد شمارا زن زندگی برای خود پیدا نموده باشد .

حال زنان امروز چطور توانستند که حقوق خودرا بمردان ثابت وخودرا باآنان از لحاظ همکاری یکسان بدانند مانند گذشته بخواب غفلت نرفته وبیدار شدند ، زندگی را مانند نقاشان مطابق زمان نوع دیگر رنگ آمیزی کرده و نتیجه بهتر گرفتند .

یعنی متوجه شدند که خمودگی ، نشستن ، سکوت کردن،خوردن ،خوابیدن وبیهوده وقت تلف کردن . جز توسری خوردن وحقیر وزبون بودن چاره‌دیگری نخواهد داشت تامتوجه شدندهمانطور که خداوند مردرا آفریده این موجود راهم آفریده است ، چرابایستی ازهرلحاظ بی نیاز بود وخودرا آزاد ندید .

ازآنموقع نهضت بانوان شروع‌شد وزنان شهرودانشمند حقوق خود را در عمل ثابت و برای خود وآینده‌گان پایدار واستوار نمودند .

حال ماباید آنرا کاملتر نموده ومقام و شخصیت خودتان را بنحو احسن تر و شایسته تری بمردان نشان دهیم و مجالی بآنها نداده که حتی از گذشته یادی بخاطر بیاورند .

حالا اگر مایلند که درزندگی زناشوئی جز روی خوشی نبینند و پیوسته دنیا بشمابخندد ، ازروزهای نخست چشم بگشائید و مواظب رفتارو کردارخویشتن باشید ، مراقبت باشید تابخت‌شماپیوسته بیدار باشد بخاطر بسپارید که بخت شما تاخودتان برآن نخوابید هرگز بخواب نخواهد رفت ، چطور میتوان‌بیدار بود؟

اول بیقیدی و بی خیالی را ازخود دور کنید ، یعنی دراوایل زندگی شاید همسر شابعضی خطاهای کوچک‌رابروی بزرگواری خود نیاورد ولی مطمئن باشید که در اثر بیقیدی همین خطاهای کوچک روزگاری بزرگ وحتی بزرگتر وشاید کاررا بجاهای باریک وباریکتر موبرساند ورشته مودرا پاره کند و بنای سعادت شمارا برهم زند .

فقط باطمینان زیبائی دوروزه‌نباید

بقیه درصفحه ۲

بقلم - برزگر

دولت صالح آندولتی است که برای همه نان و کار تهیه کند
دولت چه باید بکند؟

امروز کلیه امیدهای مردم از نفت قطع شده‌است از قرائن و امارات چنین برمیآید که قضیه نفت باین زودی حل نخواهد شد چه از طرفی انگلستان از نفت ایران دست بردار نیست و از طرف دیگر ایران هم نمیخواهد که پای انگلیسها در ایران باز شود وتازه بانک بین‌المللی هم در این راه توفیق حاصل نخواهد کرد و اختلاف بین نظریات بانک و ایران فاحش میباشد .

اکنون که‌معلوم‌شده قضیه نفت باین زودی‌ها حل نخواهد شد دولت بایدیک برنامه صحیح ودقیق اقتصادی رابموقع اجرا گذاردتا بتواند جبران درآمد نفت را بکند .

یکی از اصلاحات اساسی واجباری که باید دولت دکترمصدق بکند تعدیل ثروت‌ویا سرمایه است‌وما در گذشته‌در همین روزنامه نوشتیم که استقلال ودوام و بقای‌این کشوربستگی به تعدیل‌ثروت و سرمایه دارد .

دولت بقول

یکی از روزنامه‌های خارجی تاکنون هیچگونه قدرتی ازخود نشان نداده‌ودر مقابل‌طبقات اعیان و اشراف عرض‌اندام نکرده است ولذا این‌طبقات که‌خود همه زمامدار ومصدر امور مهم دولتی‌هستند یکدینار مالیات نپرداخته‌اند و کلیه مالیاتهای سنگین کشوری که در سال بالغ بر چند ملیارد ریال میباشد از طریق مالیاتهای غیرمستقیم وعوارض گمرکی‌ازطبقه ضعیف سوم گرفته میشود و مجدداً پس‌از طی سلسله مراتب اداری و عبور از خزانه دولتی جیب اعیان و یا ایادی دولت و اطرافیان‌آن ریخته میشود .

همانطوریکه بکرات نوشته‌ایم باز تکرار می کنیم دولت برای ترمیم اوضاع مالی بحران‌آمیز کنونی خود بایدبر بادی امراز طبقات مالک و سرمایه دارو ثروتمند مالیات تصاعدی بردرآمد دریافت کندو یا لااقل همین مالیات بردرآمد ناقص فعلی را عملی نماید .

وپرونده‌های مجهول‌المکان‌ها را بجریان بیاندازد. الان‌دربانکها سپرده‌هائی وجوددارد که‌شامل میلیونها ریال میباشد اگر مالیاتی‌اخذ میشد که‌آن سرمایه‌دار نمیتوانست اینهمه پول هنگفت را عاطل و باطل وراکد بگذارد . حذف مالیات‌غیر مستقیم و برقراری‌مالیات‌تصاعدی بردرآمد کاریست که در تمام کشورهای مترقی دموکرات برداشته شده است .

همانطوریکه‌روزنامه‌خارجی اظهارنظر کرده گرفتن مالیات از ضعفا و ستمدیدگان بمنزله تضعیف بیشتر آنها خواهدبود‌ومسلماضعیف اگر خیلی‌ضعیف شد دیگرآن مالیات را نخواهد داد که بجیب اعیان‌برود و دست بعصیان‌وطغیان خواهد زد ازاینجا است که احتمال‌انقلاب خونین‌میرود وهمه مطلعین باموروسیاست اظهار نظر می کنند که عواقب این فشار ها ازطرف طبقه حاکمه بطبقه محکوم و ستمدیده‌مظلوم بی‌اندازه خطرناک بوده وایران را بطرف انقلاب سوق میدهد .

روزنامه مزبور تذکر میدهد البته‌دولت برای گرفتن مالیات از طبقات مالک و سرمایه‌دار که عموما نماینده‌گان‌مجلسین ووزیر ومدیر کل بوده و دارای مقامات عالیرتبه‌دولتی‌میباشند‌بامشکلات‌فراوانی مواجه‌خواهد شد ولی با وصف این

ایران‌بایدیکی ازدوراه‌را انتخاب کند یا باگرفتن مالیات از این طبقات‌وضع عمومی مالی‌واقتصادی کشوررابهبودی‌بخشد وباکشور ایران رابراثر تضعیف بکمونیستی سوق دهد . روزنامه مزبور اضافه میکند که شاه‌ایران چندیست که کلیه املاک واراضی‌خود را بین زارعین تقسیم میکندواین اقدام تاکنون‌ازطرف طبقات‌اعیان ومالکین استقبال نشده‌است با این ترتیب‌مادام‌که اراضی بزرگ بین رعایا وخرده مالکین تقسیم نشودباوضع مالیات از افزایش و شیوع سرمایه‌های بزرگ جلوگیری نشود استقلال اقتصادی وسیاسی‌ایران‌اسم بی‌مسمائی‌خواهد بود.

یکی دیگر از اقداماتی که دولت

بقیه درصفحه ۲

اخبار مخصوص

شکست مفتضحانه نماینده دوم گیلان از فومنات
آقای دکتر مصدق بسوء جریان اداره انتخابات توجه فرمائید

شکست مفتضحانه نماینده دوم گیلان ازفومنات

اهالی گیلان از شکست نماینده تحمیلی دورهٔ شانزدهم موسوم به محمدعلی امیرتیان که پس ازقائم‌مقام رفیع از میدان‌وکالت بر کنار شده بینهایت خوشوقت و خورسندند و این ضربات سهمگین که بر پیکر نماینده‌گان خود خواه سابق فرود میآید باید برای و کلای تحمیلی گیلان بویژه نماینده گان رشت درس عبرت باشد وبایدبدانند که‌اهالی گیلان تصمیم قاطع گرفته‌اند که تاسرنوشت خودرا بعهدهٔ اشخاص صالح و فداکار محول نمایند بنا براین تلاش مذبوحانه آنها بجزافزودن خشم و تشدید انزجار مردم گیلان کوچکترین اثری نداشته و تشبث آنان بمنظور جبران شکست خود با نفرت تلقی میکردد زیرا اهالی گیلان با این رستاخیزخود مـی خواهند مقدرات ساکنین آن استان زرخیز را بدست عناصر پاکدامن وبا کفایت بسپارند تا خرابی و خسرانهای گذشته راکه ناشی از تعلل و اهمال نماینده گان سابق میباشد ترمیم نمایند بنا براین شایسته‌است که و کلای سابق تسلیم افکار عمومی شوند و دست از تشبث و دسیسه‌خود بردارند و بیهوده خویشتن‌رازبون و خوار ننمایند بعلاوه کارکنان‌روزنامه افشین خودرا مکلف میدانند که موفقیت آقای دادور را تبریک گفته و توفیق ایشان را برای انجام خدمات ملی از خداونـد متعال مسئلت نماینده .

آقای دکتر مصدق بسوء جریان اداره انتخابات توجه فرمائید

آقای قربت رئیس اداره انتخابات از حدود وظایف خـود منحرف گشته و اغلب اوقات برای پیشرفت مقاصد بعضی ازکاندیدای انتخاباتی دستور هـای شفاهی برخلاف مقررات صادر مینماید و این عمل نامبرده باعث تکدیر عمومی گشته و در خارج تفسیرهائی نامطبوع میشود که با حسن نیت رئیس‌دولت‌وقت مباینت دارد .

ما توجه‌آن جناب را باین موضوع جلب نموده وانتظار داریم که سریعاً از عملیات خلاف ایشان جلوگیری بعمل‌آید .

آقای دکتر مصدق سرتیپ
مغروری به‌معیت قنبر چهاردهی دو کامیون سرباز بطالش فرستاد

طبق آخرین خبر تلفونی که از هشتپررسیده، است قنبر چهاردهی باکمک وهمکاری‌سرتیپ‌مغروری بادو کامیون سرباز بهشتپر رفته وبافشار وتهدید اعضاء انجمن‌راتشکیل‌داده وصندوق خوانده شده‌باسوله وخوانده نشده‌هشتپر را باطل نمودند که‌تاقائم‌مقام‌الملک رفیع ۱۵ رای پس‌از ابطال این دوصندوق اضافه آراء داشته باشد تابتوانند **با این حقه اعتبارنامه‌آقای رفیع را صادر کنند**

کنند آیا این است نمونه انتخابات آزاد حکومت آن‌جناب !!!

بااین‌رفتار کلیه مـردمان شرافتمند ومبارز گیلان وطوالش به‌این اعمال نفوذشخص فاسدی مانندقائم‌مقام رفیع درطالش معترض بوده وانتظار وتقاضای رسیدگی فوری‌را دارند ،

قائم‌مقام رفیع ۳۳

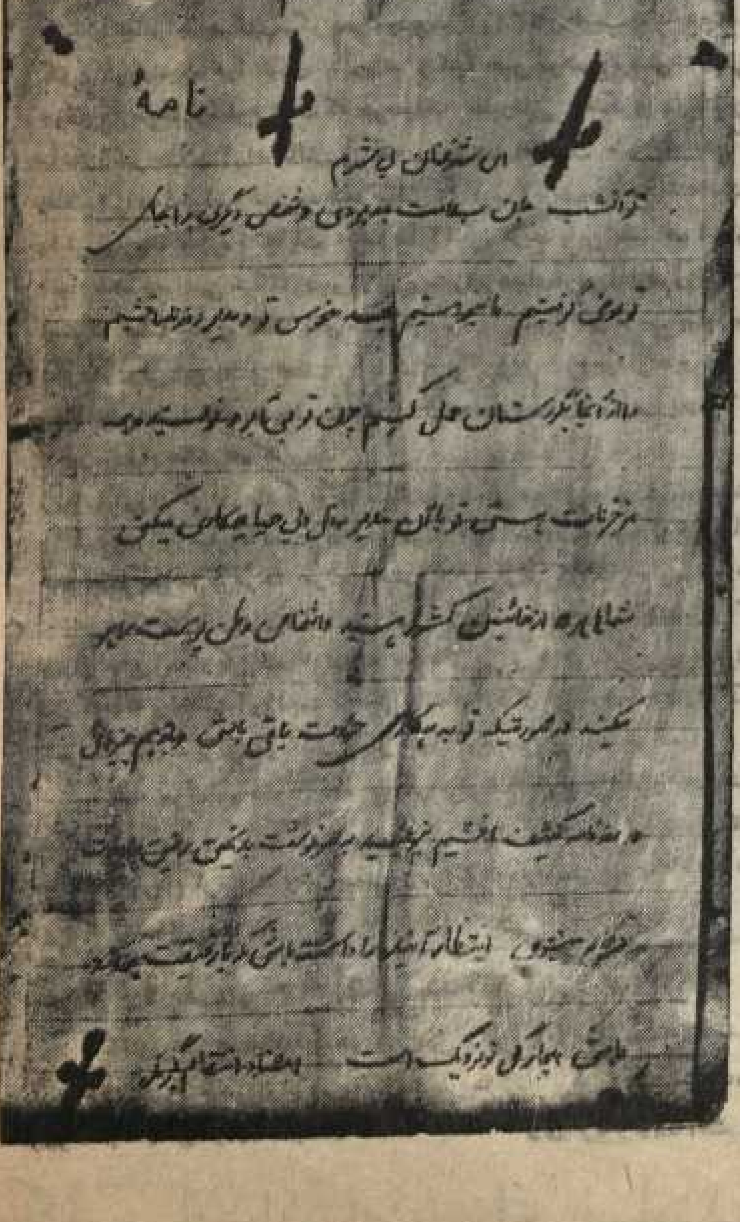

تهران

خیابان ناصرخسرو

پاکت

مدیر اداره روزنامه افشین

نامهٔ

قائم مقام رفیع ۳۲

نشست و برخاست بعضی مسئولین درامرسیاست با اجانب درجنگ بین‌الملل دوم هم موقعی صورت گرفت که آنها با ایران قرارداد اتفاق بستند نه حاکم و محکومی جابه میدانستند نوکری متجاوز با نشست و برخاست بامتفق خیلی فرق دارد که آقای میرمسعودی پس ازهفتاد سال عمر بایستی میفهمید تازه اگر هم سازش یا نشست و برخاست بقول ایشان گناه نباشد ازآقای مسعودی سئوال می کنیم قبول‌تابعیت بیگانه در موقع بدبختی وطن وپشت کردن به بیرق وطن و رفتن زیربیرق دولت غیرمسلمان آنهم بمیل ورضا دلیل شرافت وپاکدامنی است یا خیر ! اگرمیگوئید قائم‌مقام تبعه روس نشد اعلام کنید تا مدرک ارائه کنیم اگر قائلید تبعه روس شده بازهم آدم شریفی است درآنصورت اقرار کنید که شما دشمن قانون مملکت خودتان هستید که ماده ۹۸۹ اینگونه مردم را ازاظهار وطن و اجتماع محروم از شرف اجتماعی کرده‌است‌وقتی که چنین باشدخودتان اعلام دشمنی با مقدسات وطن کرده‌اید که مناسب شأن اشخاص با شرف نیست .

اما افسانه شرکت شمادرجنگ که‌نوشته‌ایدوقتی‌سردار افخم‌را آزادیخواهان کشتند سردار امجد بشماکه دررشت بوده‌اید حمله کرده ملاهزبر راگرفته‌واعدام نموده‌اند و شما پس از یک شبانه‌روزجنگ فرار نموده و مجدداً در جنگ دیگر اسیر و پای داررفتید دروغی است که برهر بچه مکتبی روشن است .

زیرا سردار افخم در سال ۱۳۲۷ در رشت کشته شدو همان روزسردار امجد بطالش فرار کرد و قوای‌مجاهد هم درظرف هفت ساعت‌کار غلبه‌را باتمام رسانید و مجاهدین طالش در روز حادثه در رشت‌نبوده‌اندتا شماهم‌همراه باشید و ملاهزبر مرحوم در ۱۳۳۰ یعنی سه سال بعد در رشت دستگیر و بشهادت قائم‌مقام محکوم و بدارآویخته شد و در آن زمان هم شما مطلقا باملاهزبر همراه نبوده‌اید‌ولی سیداشرف و انوشیروان خان همراه بوده‌اند .

بنا براین در جنگ بالابالاخان سردار افخم در رشت بوده‌ید ونه در زمان ملاهزبر شهید و موضوع داروزدن ملیون فقط‌یکبار در رشت ویکباردربندر پهلوی بدست روس‌ها وقوع یافته است که مطلقا در فهرست اسیران این‌دو واقعه اسمی از شما برده نشده است چه رسد بآنکه شمارا پای‌دارآورده باشند وکسی شفاعت کرده باشد آقاجان بیهوده‌سخن هم باین درازی میشود چرامشت خود و جان بابا را بازتر میکنید استفاده‌ای که از ورقه دفاعیه شما کرده‌ایم اینست که بعداز هرگز برای‌آقای قائم‌مقام مدافعی پیدا شده است مانندآقای‌میر مسعودی با آن سوابق که در بالا مجملا ذکر کرده‌ایم‌آنهم براساس دلایلی که تماما مردود و مخدوش است که معلوم میدارد جز با افسانه سازی و دروغ حقایق منتشره روزنامه افشین را نمیتوان تکذیب کرد زیرا راستی بضرر جان باباست اینکه روزنامه ها را هتاک دانسته‌اید ما که بقائم مقام فحش نداده‌ایم فقط خصوصیات زندگی سیاسی وی‌را باذکر شواهد و مدارک نوشته‌ایم این روزنامه نیست که هتک حرمت میکند بلکه عمل خود حاج قائم‌مقام است که در لباس روحانیت درقفای‌مادام‌نیکتین یک زن بدنام سرپا می‌ایستد وعکس میگیرد و بدان افتخار میکند موضوعات دیگر پیشکش شما و ایشان. باز بموقع‌مناسب با شما حرفهائی خواهیم‌زد .

اساسنامهٔ جمعیت گیلانیان
۳۰
فصل چهارم ـ عضویت جمعیت

ماده ۱۳ـ اعضای جمعیت بقرارذیل‌خواهد بود :

الف ـ اعضای مؤسس

ب ـ اعضای عادی

ج ـ اعضای افتخاری

ماده ۱٤ـ اعضای مؤسس‌ـ کلیه گیلانیانی که تا تاریخ تصویب این‌اساسنامه عضویت جمعیت را پذیرفته ودرجلسات‌آن مشارکت و ذیل اساسنامه را امضاء کرده‌اند اعضای مؤسس جمعیت‌شناخته‌میشوند

تبصره ۱ـ پس ازتاریخ تصویب اساسنامه‌ممکنست گیلانیانی که‌واجدشرایط ذیل باشند عضومؤسس شناخته شوند :

۱ـ شخصیت های ممتازاجتماعی وعلمی درصورت پذیرفتن عضویت‌جمعیت

۲ـ اعضای عادی جمعیت که خدمات برجسته در راه مقاصد جمعیت انجام داده‌باشند

۳ـ افرادیکه‌برای ترقی و تعالی گیلان قدم های مؤثر برداشته‌اند بشرط پذیرفتن عضویت جمعیت

تبصره ۲ـ اعضای واجد شرایط مندرج درتبصره فوق بنا بپیشنهادشورای جمعیت باکثریت نسبی‌آراء مجمع‌عمومی و بطورمخفی‌انتخاب خواهند شد.

ماده ۱۵ـ اعضای عادی ـ کلیه گیلانیان واجد شرایط زیر که‌عضویت‌آنان بتصویب شورای‌جمعیت رسیده‌باشد اعضای عادی محسوب میشوند :

شرایط :

۱ـ حسن‌شهرت

۲ـ داشتن لااقل ۲۵سال

تبصره ـ اعضای عادی بمعرفی۲ تن‌ازاعضای جمعیت وتصویب‌شورای‌جمعیت باکثریت نسبی با رأی‌مخفی پذیرفته خواهند شد

فصل پنجم ـ وظائف واختیارات
I ـ وظائف واختیارات مجمع عمومی عادی و فوق العاده

ماده ۱۷ ـ وظائف واختیارات مجمع عمومی‌عادی و فوق العاده بقرار ذیل است :

۱ ـ انتخاب اعضای شورای جمعیت برأی مخفی

۲ ـ جرح وتعدیل وتغییر وتفسیر مواد اساسنامه .

۳ ـ تصمیم درباب انحلال جمعیت

٤ ـ تصویب یاردگزارش سالیانه ، شورای جمعیت که توسط رئیس شورا قرائت خواهد شد .

تبصره ـ درصورت ردگزارش سالیانه ، شورای جمعیت ساقط خواهدشد

۵ ـ تصمیم در باره انفصال اعضای شورای جمعیت بنا به پیشنهاد کتبی ثلث اعضاء

تبصره ـ قطعیت رأی انفصال اعضای شورا منوط به تصویب دوثلث عده حاضر خواهد بود .

٦ ـ انتخاب اعضای موسس طبق تبصره ۲ ماده ۱٤

۷ ـ تصویب اخراج اعضاء بنابه پیشنهاد شورای جمعیت .

II اختیارات شورای جمعیت

ماده ۱۸ ـ اختیارات شورای جمعیت بقرار ذیل است :

۱ ـ تعیین خط مشی وسیاست عمومی جمعیت

۲ ـ نظارت کلی دراقدامات و تصمیمات هیئت عامله .

۳ ـ تصمیم درباره تعلیق اعضائی‌که رعایت اصول و مقررات جمعیت را نکنند ویا با اعمال خود لطمه به شئون جمعیت بزنند بنابه پیشنهاد هیئت عامله

« قطعه ادبی »

بقلم - خ-دوشیزه‌سیاوشان

رثادر مرگ مادر

بیاد او ...

در بوستان‌زندگی‌مایک گل‌شاداب و زیبا ، یک‌نهال‌برومند و جوان بدست طوفان یغماگرخزان نابود گردیده و خاطره کوتاه زندگی او با حلاوت و شیرینی دوران کودکی مادر هم آمیخته‌و مرامنقلب و پریشان میدارد .

او ، مادر و یگانه دوستدار من بود سرنوشت شوم ما را از هم جدا کرد و اینک که چند سال‌ازآن میگذرد کم کم حجاب‌نسیان خاطره زندگی بی پیرایه اورا میپوشاند و خاطرات شیرین‌ولذیذ اورا چون پایان یک رویای حزن انگیزاز افکار محو میسازد ؛ حس میکنم چه درد و رنج بزرگی روح افسرده مرا‌تحت فشار آورده و فقدان او چه حفره عمیق و چه جراحت مهلکی‌در قلب من ایجادکرده است خوشبخت باشید ای مردم آزاد وفارغ ... مرا با رنج خود ترک کنید شما ای خوشیها و لذتهای فانی عمر کوتاه دورشوید و بساط طلائی و فریبنده خود را در کنار آنهائی که دلی فارغ از اندیشه‌های غم‌انگیزدارند بگسترانید ، بگذارید تابااین‌دردوغم‌جانگدازباز مانده عمررا بسرآرم .

تنها و منزوی ، دور از همه به‌آن صخره‌هائیکه یک روز زمینه‌رویای جوانی مراتشکیل میدادند وورود خانه خروشانی که سالهای بیشماری‌پایه‌های آنهارادر بر گرفته و باصدای مهیبی در زیر آن‌ها جریان داشت پناه برم و درمیان آرامش عمیقی که‌آنجا را فراگرفته بیاد بدبختی و سیه‌روزی خود و ناکامی و نامرادی او اشکها فرو ریزم و خاطره این زندگی سراسر رنج و تعب را چون کابوسی وحشتناک از مد نظر بگذرانم ، مرا ترک کنید تا تا بیاد اوبه‌دورترین نقاط‌غیر مسکون‌آنجائیکه او دوست‌میداشت و مناظر دلپذیرش موجب‌اعجاب و تحسین‌او میگردید ، آنجائیکه آسمان نیلی رنگ باعظمت و جبروت برزمین‌آن سایبانی میکرد و اختراتی بیشمار با نور های لرزان خود سطح‌آنرا می‌پوشانید آنجائیکه درختان کهن سالش سر درهم کرده و سقفی زمردین برآن پوشانده‌بودند‌آنجائیکه خاطره غم‌انگیزحیات او برروی‌تمام ذراتش پرده‌ای کشیده بود و از زبان او؛ از خواهشها و امیال او ازآرزوها و هدف زندگی او که روزی بگوشش فرو خوانده بودو بامن سخن میگویند ؛ باز گردم . باشد که یکبار دیگر در آغوش سرزمینهائیکه کمال مطلوب او بود درمیان امواج‌تاریکی در جوار شعاع رنگ پریده ماه شبح سفید و معصوم اورا با نگاه آشفته‌ای که در سراسرحیات کوتاهش از چشمان سیاه و پاک و عفیفش دور نمیشد ، با لباس سپیدآسمانی که‌هنگام باز گشت بسوی خدا در بر داشت مشاهده کنم‌ومرغ روحم مشتاقانه بسوی‌اوبپرواز کند . اوه ! ای زیبائی های کم دوام جوانی ای رویـای سرمست کننده عشق ای جذبه و جمال زندگی و ای شورونشاط عمرای‌دور نمای فریبنده حیات چون سایه‌ای مبهم از نزد من بگریز دل من روز گاری‌است‌سردو بی‌احساسات گشته و‌دیگر بهیچ زیبائی ونشاطی مفتون نمیگردد .

نگارش جمشید سمیع زاده

لحظات اشتباه
(٦)
(نوش‌ونیش !۰۰۰۰۰)

ازبعد رفتن تو، برادرت برای انجام خدمت سربازی‌بشهر ما آمد . ومیدانی که من وبرادرتو کمال دوستی‌راباجائی رسانده بودیم که آنی از حال هم غافل نبودیم‌ و مسلم پس‌ازآنکه بر ما وارد شد بیش‌از همه باهم بسر میبردیم و تو نیز گوشزدمن کرده بودی که ازآنچه ما بین من وتست برادرت گریخته مطلبی‌میداند و بهمین‌لحاظ همیشه‌این ابهام در نظر من باقی بود که مبادابرادرت احساس رنگ ودوگانگی‌دردوستی‌بکند اوانگهی‌خیلی‌پیش‌ازآنکه دل در گروتار سیمین تو سازم حالاتی از نارضایتی دوست درمن یافت میشد ؛ ولی‌چاره‌ای نمیدیدم زیرا جائیکه قدم تومبارک‌عشق رسید اراده واختیار، عقل واستدلال رخت می‌بندد ؛ ونیز چون در خود سراغ خیانتی‌نمیگرفتم از رنجش دوست‌هراسی‌نداشتم .

برادرت آمد واز ظواهرحال او حس کردم که خالی ازذدن نیست ولی‌نه‌اوابرازمطلبی‌کرد ونه‌من‌سخنی گفتم‌وتحلیل موضوع‌را بمروروزمان گذاشتیم ! زیرا مقام‌شامخ دوستی‌خیلی بالاتر‌ازاینگونه مسائل است‌وانگهی او ازضمیر پاک وقلب‌بدون ریب و ریای‌من آگهی‌داشت .

درست یکماه از غربت تو گذشته بود ومن نامه‌ای از تو نداشتم وبا وجود اینکه هر هفته نامه‌ای برای تـو مینوشتم واز اشک خونین و آه سوزان لحظات دوری تقریر میکردم اعتنائی نمینمودی ! وآنگاه که دستی از لطف میگشادی و نامه‌ای‌میدادی مرا بصبروشکیبائی تحریص مینمودی ومینگاشتی !

هر که دراین بزم مقرب تراست
بیشترش جام بـلا میـدهند

از مضمون نامه های تودر این زمان کم ودیر پای نیش‌های نوش‌های توآشکار بود .

گاهی نامه‌ای از تو درمن تأثیر باده مردافکن مینمود و شراب‌جانم رالبریز‌میساخت‌وروحم‌رابجولان میآورد ومراباسمانها میبرد وفریاد شادی مرا ببالاها جـای میداد و زمانی چـون سم مهلک‌درمن‌اثرمیکردواز‌رحم ورافت‌نشانی نداشت ومراازفراز واژگون مینمود !

درتمام این جریانها با قطرات آبیکه‌از دیده جاری‌میساختم سوزش‌دل خودرا تسکین‌میدادم ؛ طوری میسوختم ؛ که‌طبع وذوقم از طنازیهای تو الهام میگرفت و نالـه پرشور درواسی را بنغمه درمیآورد !

وبخاکپای تو تقدیم میداشت تا اندکی ترا از سر گرانی باز دارد !!

تو مست وراحت سرخوش‌وشاد بر سریر دلم تکیه داده بودی غافل از اینکه پایه های این تخت بر خونابی استواراست .

آتش عشق تو خرمن هستی مرا بباد داده و خنده ونشاط راکه تنها دارائی من بود از من سلب کرده بود زیرا : (عشق غم تولید میکند) ، وغم عشق‌تو نیز مرا حساس وزود رنج نموده بود . ازهرسخن بی‌یاد تو گریان بودم .

پیوسته دنباله گفتنی‌ها را بگردپربروبان میکشاندم تا از تو نیز پوشیده گفتگوئی باشد ... بکنج‌دار‌ومریز نامه‌ها دادی ... تاآنکه دریکی از نامه‌هایم عکسی‌ازخود بنزد تو فرستادم‌واز تو خواستم که مهجوری و تنهائی مرا بادادن عکسی چاره‌ای کنی و مرا هر صبحگاه بدیدار نازنین خودت خرسند سازی‌ تو ایفای خواهش را بوعده‌آمدن موکول نمودی‌ونیز خاطر نشان ساختی‌از اینکه میخواهم عکس را مستقیماًبتو بدهم برای اینست که‌ازارسال عکس‌بوسیله نامه ناراحت میشوم!! من نیز اصراری نکردم‌زیرا نمیخواستم غبار کدورتی از تقاضای من بر خاطر گرامی تو بنشیند‌و بامید دیدار ووفای عهدت خود را مشغول میداشتم .

بقیه ازصفحه ۱

شکست‌مفتضحانه

با وجود لطمات وصدمات بی‌حد و حصری که‌ازاین راه نصیب‌کارکنان مبارز روزنامه افشین گردیده است کوچکترین خللی درارکان وجود حق‌طلبانه آنها راه نیافته است

امروز اگر مردم ستمدیده طوالش بقائم مقام رفیع در انتخابات با وجود موانع‌مشکل وطاقت فرسا رأی‌نمیدهند بلحاظ خاطرات فراموش نشدنی است که ازجنایات وتبه‌کاریهای اودراذهان آنها باقی‌مانده است.

هنوزخونریزیهای این زاهدنمای بیدین در برابرنگراسوف قنسول روس وداروسته اوازخاطرها محونشده‌است.

هنوز شهادت های ناحق وناروائی کـه این عمامه بسر ، دورهٔ تزار علیه آزادیخواهان و رادمردان گیلانی داده وموجبات اعدام آنها را فراهم‌نموده‌است با اسناد ومدارک مثبته موجود است

هنوز بازمانده گان فرزندان لایق ورشید گیلان وطوالش که بجاسوسی وفتنه این این عنصربیگانه پرست داغدیده ومصیبت زده هستند حیات دارند

حال اگردست نیرومند مردم شرافتمند وغیور طوالش ازآستین بیرون آمده‌که با رأی دادن بجوان فعالی این عنصر نابکاررا برای همیشه طرد کند نویدخوشی ازآینده سعادت بخش خواهد بود که قریباً چنگال انتقام بسوی مطرودین جامعه نظیرقائم مقام ها درازخواهد شدوبکیفر سیئات اعمال ننگین گذشته گلوی آنها را درهم میفشارد

بامید آینده

تسلیت

فوت سعید فقید برادر جناب آقای دکتر مهدوی استاد ارجمنددانشگاه موجب تاثر همگان گردیده است لذا بدینوسیله مراتب تسلیت خـود راحضور استاد گرامی تقدیم‌داشته وشکیبائی آن جناب را ازایزد توانامیخواستارم

محمد تقی‌سمیع زاده

یهودیان محترم
کاندید حقیقی یهودیان ایران
دکتر حبیب اله خشنود
که یکی ازجوانان فاضل ودانشمند است ودرامور اجتماعی پیشقدم بوده وامتحان‌خودراتاحال‌بجامعه‌داده‌اند انتخاب کنید که وظیفه وجدانی تمام همکیشان‌است
روح اله نول

چهارمیلیون‌وپانصدهزار ریال جایزه‌پس‌انداز

صندوق پس‌انداز ملی ۴،۵۰۰،۰۰۰ ریال‌جایزه برای‌تقسیم بین کسانیکه تا پایان سال‌جاری(۱۳۳۰) درشعبه ها یا نمایندگیها یاباجه‌های بانک ملی‌ایران حساب پس‌انداز داشته باشند درنظر گرفته که بطورقرعه بشرح‌زیر تقسیم نماید

یک جایزه ۳۰۰،۰۰۰ ریالی یک جایزه ۲۵۰،۰۰۰ ریالی
پنج « ۱۰۰،۰۰۰ « ده « ۵۰،۰۰۰ «

وچندین هزارجایزه ده هزار ریالی و یکهزار ریالی ویکصد ریالی چنانچه مایلید سعادت خود وخانواده خود را تأمین و از مزایای‌داشتن‌پس‌انداز بهره‌مند گردید وتاکنون حساب پس‌انداز برای خود وفرزندانتان باز ننموده‌اید قبل‌از پایان سال برای باز کردن حساب پس‌انداز در تهران بصندوق‌پس‌انداز ملی و باجه های شهری ودرشهرستانها به شعبه‌ها یانمایندگیها یاباجه هـای بانک ملی ایران مراجعه فرمائید.
۳-۵

صاحب امتیاز ومدیر مسئول نقی‌جفرودی

آگهی
ازخرید روغن زیتون میلان غفلت نفرمائید . تهران بازارچهل تن سرای نواب میلان
۱-۲